طراح: غزاله چهارسوقی(از جشنواره بسم‌الله)
روزنامه خبری – تحلیلی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی
اعتماد ETEMAAD www.etemaad.com
■صاحب امتیاز و مدیرمسوول : الیاس حضرتی ■سردبیر : بهروز بهزادی
■نشانی روزنامه : خیابان شریعتی – خیابان خواجه‌عبدالله انصاری – کوچه هشتم – پلاک ۱۶
■تلفنخانه : ۲۲۸۶۸۴۱۸–۲۲۸۶۴۷۶۱■ نمابر : ۲۲۸۶۲۲۶۵
■امورمشترکین : تلفن : ۴۲–۸۸۳۴۱۱۳۸ نمابر : ۸۸۸۴۲۴۳۶ ■ سازمان آگهی ها : ۲۶۲۰۰۱۹۹
■توزیع : موسسه پیام‌رسان پیروز ، تلفن : ۳۵–۶۶۱۸۲۱۳۰
■چاپ : گلریز ■نشانی : بزرگراه فتح ، انتهای فتح ۱۷ ، پلاک۲۹ ■تلفن : ۶۶۸۲۲۳۴۶

اذان ظهر: ۱۱/۵۷ ■غروب آفتاب: ۱۶/۵۱ ■ اذان مغرب: ۱۷/۱۱ ■ اذان صبح فردا: ۵/۳۴ ■ طلوع آفتاب فردا : ۷/۰۴

جدول ارز و طلا

ارز	قیمت(تومان)	نوسان	طلا و سکه	قیمت(تومان)	نوسان
دلار امریکا	۱۰۰۲	↑ ۲	سکه طرح قدیم	۲۷۱۵۰۰	↓ ۴۰۰۰
یورو	۱۴۸۲	↓ ۳	سکه طرح جدید	۲۷۱۰۰۰	↓ ۴۰۰۰
پوند انگلیس	۱۶۵۰	↓ ۲	نیم سکه بهار آزادی	۱۳۸۵۰۰	↓ ۵۰۰
دلار کانادا	۹۵۵	→ ۰	ربع سکه بهار آزادی	۶۸۵۰۰	↓ ۱۵۰۰
ریال سعودی	۲۶۵	→ ۰	یک گرم طلای ۱۸ عیار	۲۷۲۰۰	↓ ۶۸۰

پیدا و پنهان

■ **درخواست روزنامه جمهوری اسلامی از آیت‌الله لاریجانی:** روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود خطاب به رئیس قوه قضائیه از وی خواست با فساد سیاسی کسانی که ذهن جامعه را مشوش می‌کنند برخورد کند. در این سرمقاله آمده است: «شما چرا از مفاسد فکری و اجتماعی چیزی نمی‌گویید؟ کسانی که جامعه را دچار آشوب‌های فکری و سیاسی و اجتماعی می‌کنند، کسانی که حرمت انسان‌ها را لگدمال می‌کنند، زبان‌های شایعه‌ساز و هتاک، قلم‌های فحاش و دروغ‌پراکن، محافل تهمت‌ساز، هسته‌های توطئه‌گر، گروه‌های فشار، عناصر افراطی، رسانه‌های لاابالی و مجموعه‌هایی که لایه‌های پنهانی را برای تخریب و از میدان خارج کردن نیروهای انقلابی خدوم، توانمند و فداکار و به صحنه آوردن عناصر فرصت‌طلب و میوه‌چینان انقلاب تشکیل داده‌اند و به شدت فعالند قطعاً خطرناک‌تر از سایر مفسدان هستند.» در ادامه سرمقاله این روزنامه آمده است: آیا جرم تهمت فساد زدن به انسان‌های شایسته و فداکار کمتر از خود فساد است، آیا نمی‌دانید که راه درست مبارزه با فساد برخورد ریشه‌یی با علت است نه با معلول، آیا کارشناسان قوه قضائیه تاکنون به این سوال فکر کرده‌اند که چرا امروزه ارزان‌ترین متاع در جامعه اسلامی ما آبروی اشخاص آن هم اشخاص خوش سابقه و انقلابی و وفادار به نظام جمهوری اسلامی است، آیا قوه قضائیه و جنابعالی که در راس آن قرار دارید تاکنون برای حفظ کرامت انسانی شهروندان جمهوری اسلامی و جلوگیری از هتاکی‌ها، فحاشی‌های سیاسی و تهمت زدن‌های باندی و جناحی که اکنون رایج‌تر از هر زمان دیگری شده است، قدمی برداشته‌اید، آیا برای حفظ حق انتقاد سالم که شرعاً و قانوناً و عقلاً برای حیات جامعه ضروری است و رسانه‌ها به کمک آن می‌توانند تا حدود زیادی جلوی مفاسد اقتصادی و سیاسی و فکری و اجتماعی و اخلاقی و اعتقادی را بگیرند و کمک بزرگی به قوه قضائیه بکنند، کاری کرده‌اید؟

■ **پژوهشگاه تامین اجتماعی در آستانه انحلال:** شنیدیم پژوهشگاه سازمان تامین اجتماعی بسته شده و در آستانه انحلال قرار دارد. ۴۳ عضو شاغل در این پژوهشگاه که مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر دارند، بدون اطلاع قبلی با درهای بسته روبه‌رو شده‌اند به همین دلیل کارکنان این مرکز دادخواستی تهیه و به دیوان عدالت اداری ارائه کردند. گفتنی است قانون جامع رفاه و تامین اجتماعی حاصل پژوهش‌های این مرکز است.

■ **ارجاع جزایر ایرانی به دیوان لاهه:** پس از تلاش برخی کشورهای غربی و تعدادی از دولت‌های حاشیه خلیج فارس برای مخدوش کردن روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس، اقدامات این کشورها منجر به عدم دعوت ایران به آخرین نشست این شورا شد. به گزارش ایران‌خبر، العطیه دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس نیز با تشریح دلایل برگزاری این نشست، از امکان محول شدن موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی به دیوان کیفری بین‌المللی لاهه سخن گفت و در عین حال تاکید کرد می‌خواهیم آرمان‌های مردم منطقه را محقق سازیم.

■ **هدایت صدور گاز به شرق:** در خبرها آمده شرکت نیمه‌دولتی گاز روسیه گازپروم در مذاکرات مرتبط با طرح صدور گاز ایران به هند وارد شده و قصد دارد ظرفیت صادرات گاز کشور را در مسیر شرق قرار دهد. ظاهراً گازپروم حتی آماده سرمایه‌گذاری برای کشیدن خط لوله شده و قرار است تا دو هفته آینده پیشنهادهای خود را آماده سازد.

■ **حکم ریاست برای زهرا سجادی:** شنیده می‌شود «زهرا سجادی» قائم‌مقام مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به زودی به ریاست این مرکز معرفی خواهد شد. پارسینه – سایت نزدیک به دولت دهم – نوشت پیشتر گزینه‌هایی چون فاطمه فراهانی و تهمینه میلانی برای تصدی این مرکز مطرح شده بودند که قرعه به نام سجادی افتاد.

یادداشت

آن نظم و دقت بی‌مثال

محمدرضا شجریان

بزرگمرد موسیقی ما استاد فرامز پایور استاد و هنرمند بی‌بدیل و بی‌همتا بعد از ۱۱ سال بیماری که ایشان را به کنج خانه کشانده بود، درگذشت و این ضایعه بزرگ برای موسیقی به جا ماند. من به سهم خود به خانواده استاد فرامرز پایور، دوستان و دوستداران ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

در طول سال‌هایی که فعالیت هنری داشتم هرگز هنرمندی را به نظم و به دقت فرامرز پایور ندیده‌ام. در کارم بسیار مدیون ایشان هستم چراکه در کنار او مطرح شدم. با گروهی که ایشان تشکیل داده بود و سرپرستی آن را بر عهده داشت، کارهای خوبی ارائه دادم که باعث مطرح شدن من در جامعه شد. در واقع او مرا به جامعه شناساند. صمیمانه عرض می‌کنم که او را دوست داشته‌ام، دوست دارم و خواهم داشت و در فراق او غم بزرگی را بر دوش تحمل می‌کنم. ضایعه درگذشت او بسیار بسیار تاسف‌انگیز است؛ غمی بزرگ که همه در آن شریک هستیم.

یادداشت

خداحافظی در اوج قدرت

اردوان کامکار

فرامرز پایور حق بسیاری به گردن موسیقی ایران دارد، علی‌الخصوص در مورد ساز سنتور. اگر می‌بینید سنتور الان پرطرفدارترین ساز ایرانی است به خاطر این است که فرامرز پایور آن ساز را بسیار باشخصیت به ایرانیان معرفی کرد. نکته مهم دیگر در زندگی هنری پایور این بود که او با قدرت از صحنه کنار رفت و در هیچ مرحله‌یی از زندگی‌اش کار ضعیف ارائه نکرد. بعضی از استادان موسیقی زمانی که پا به سن می‌گذارند نوازندگی‌شان فرق می‌کند و کارهایی اجرا می‌کنند که ضعیف‌تر از کارهای دوران جوانی‌شان است اما فرامرز پایور در اوج قدرت خداحافظی کرد و از مقطعی خودش دیگر کار نکرد. من واقعاً برای از دست دادن فرامرز پایور متاسفم. امسال سال خوبی برای هنرمندان نبود. ما خیلی‌ها را از دست دادیم.

یادداشت

مرگ پایان او نیست

سوسن اصلانی

استاد اصلی من در زمینه ساز و سنتور استاد فرامرز پایور بود و اگرچه از محضر استادان دیگری نیز بهره بردم، می‌توانم بگویم که ایشان یکی از قدرتمندترین استادان سنتور در ایران بودند که به نظر من سنتور را زنده کرده و اعتباری دوباره به آن بخشیدند. در آن زمان بسیاری مخالف استفاده از تکنیک در سنتور بوده و تنها می‌خواستند به ردیف بسنده شود اما ایشان با جسارت قطعات زیبایی ساختند که تحولات بسیاری در این ساز به وجود آوردند و این ساز را به یکی از مهم‌ترین سازهای موسیقی سنتی ایران بدل کردند به شکلی که هم‌اکنون طرفداران بسیاری یافته است. ایشان در کار خود بسیار جدی و مصمم بود و همین جدیت سبب موفقیت خود وی و همچنین کسانی شد که از حضور او بهره بردند. در آن زمان استاد دهلوی ارکستر بزرگی متشکل از سازهای ایرانی و غربی تشکیل داد و در کنار او استاد پایور نیز ارکستری تشکیل داد که تمام سازهایش سنتی بودند و کار نویی در موسیقی ایران به حساب می‌آمد. به همین خاطر است که ایشان همیشه در موسیقی ایران زنده و پایدار است و مرگش را نباید پایان او تلقی کرد بلکه شاید بهانه‌یی باشد برای آغاز شناخت ارزش‌های موسیقایی او.

ادبیات

کتابی در بررسی شعرهای ضیاء موحد منتشر می‌شود

کتاب «شعر؛ آینه اندیشه» به قلم علیرضا پورمسلمی استاد ریاضی دانشگاه همدان دربرگیرنده تحلیل شعرهایی از سه مجموعه شعر موحد با عنوان‌های «غراب‌های سفید»، «مشتی نور سرد» و «نردبان اندر بیابان» است که مجموعه آخر از سوی نشر نیلوفر برای دریافت مجوز چاپ ارائه شده است. به گزارش ایسنا و به گفته نویسنده، کتاب سه قسمت دارد؛ در بخش اول به استعاره، زمان و تصویر در سه کتاب پرداخته شده و از روش‌های ریاضی برای تبیین آنها بهره‌گیری شده است. قسمت دوم چهار شعر را با خوانشی دوباره بررسی می‌کند و در بخش سوم، شعرهای مورد بررسی آمده‌اند.

از راست فرامرز پایور، عماد رام و حسین تهرانی در روزگار جوانی

یار دبستانی من

حسین دهلوی

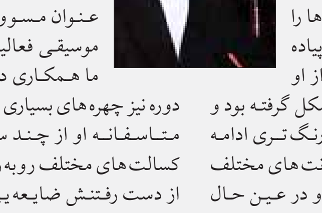

من و استاد پایور از کودکی با یکدیگر آشنایی داشتیم. مادر ایشان پیش پدر من موسیقی کار می‌کرد و به همین خاطر من از کودکی با او حشر و نشر داشتم، البته وقفه‌یی در ارتباط ما پیش آمد تا اینکه هر دو بار دیگر در دبیرستان «دارایی» که بسیاری از اهالی موسیقی در آنجا درس می‌خواندند، یکدیگر را یافتیم. از همان زمان‌ها من ویولن می‌زدم و از محضر پدرم و همچنین استاد صبا بهره می‌گرفتم. ایشان نیز نزد استاد صبا تعلیم می‌دیدند. بعدها هر دو در وزارت دارایی استخدام شدیم و توانستیم همگام با یکدیگر در موسیقی فعالیت کنیم. استاد فرامرز پایور علاقه فراوانی به علمی کردن موسیقی سنتی ایران داشتند و به همین خاطر هفته‌یی یک بار نزد من ترکیبات صوتی چندنوازی و هارمونی را کار می‌کرد و یاد می‌گرفت و این قابلیت‌ها را در موسیقی سنتی ایران پیاده کرد؛ اتفاقی که تا قبل از او توسط کمتر استادانی شکل گرفته بود و پس از او به شکل پررنگ‌تری ادامه یافت. او از نظر انتشار نت‌های مختلف اقدامات زیادی کرده و در عین حال شاگردان زیادی تربیت کرد که اکنون بسیاری از آنان جزء بزرگان موسیقی ایران به حساب می‌آیند. او از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ که من به عنوان مسوول هنرستان موسیقی فعالیت می‌کردم با ما همکاری داشت و در آن دوره نیز چهره‌های بسیاری را تربیت کرد. متاسفانه او از چند سال پیش با کسالت‌های مختلف روبه‌رو بود و اکنون از دست رفتنش ضایعه‌یی بزرگ برای موسیقی ایران است و ما لااقل امیدواریم مسوولان که در زمان حیاتش کم‌لطفی‌های بسیاری به او کردند هم اکنون در جهت معرفی ایشان به نسل‌های بعد گام بردارند.

استاد پایور نیز همچون بسیاری دیگر از چهره‌های موسیقی در این سال‌ها مورد بی‌مهری فراوانی قرار گرفت به این خاطر که هنر موسیقی در ایران نه تنها مورد حمایت قرار نمی‌گیرد بلکه به شکل آگاهانه سعی در تضعیف آن می‌شود. این روزها خیلی‌ها که آگاهی لازم در زمینه موسیقی را ندارند تصمیم‌گیرنده هستند و این بزرگ‌ترین معضل در موسیقی ایران محسوب می‌شود.

هنرمندمیری بس است!

شهرام ناظری

گمان می‌کنم که دیگر نمی‌توانم چیزی بنویسم. دیده‌اید که اگر عزیزی دربگذرد از این جهان، نزدیک‌ترین آن رفته، فقط حیران و بی‌گریه خیره می‌شود به بی‌باوری، به دیوار، به جهان! من بعد از وفات مشکاتیان و حالا درگذشت استادم پایور، احساس می‌کنم توان نوشتن ندارم. اما و با این حال باید مصرانه تاکید کنم که پایور، رسول رویاهای ما در جهان موسیقی بود.

پایور نه تنها سنتورنوازی بزرگ و موسیقیدانی بی‌بدیل بود، بلکه من اعتراف می‌کنم که با نظر به روند و راه و تاثیرگذاری آثارش، او مکتبی در موسیقی ما– با ارجحیت ساز سنتور– بنا نهاد که باید از آن به عنوان مکتب پایور یاد کرد. دریغا فرامرز ما نیز آرش‌وار خدنگ نُت‌های خود را از مرز این جهان عبور داد تا جان خود را بر سر آن بگذارد. باید بگوییم فرامرز پایور میراث‌دار مکتب سنتورنوازی و جانشین بحق ابوالحسن صبا بود؛ کسی که خود صاحب سبک و شیوه منحصر به فرد به شمار می‌رفت. در حقیقت با صدای بلند می‌گوییم که او خالق مکتب «پایوری» از میان ما رفت.

پایور را به جرات می‌توان پیغام‌آور نغمه و سرود و خنیاگری از دل تاریخ دانست که هم‌رنگ نکیسا و باربد است. او با «نشان رودکی» تالار رودکی (که گویا به تاریخ رهایش کرده‌ایم) متاسفانه سال‌هاست که گرد جفا و غبار فراموشی بر آن نشسته است. از تالار رودکی و کنگره‌های آن و صندلی‌های سرخ‌فام و چین پرده‌ها و چهل چراغ‌های آن بوی پایور به مشام می‌رسد. هنوز وقتی وارد تالار می‌شوی عطر او را می‌شنوی و رایحه دلنواز موسیقی او را احساس می‌کنی. حقیقتاً انگار در و دیوار و سقف و صحنه با تو سخن می‌گویند. هنوز روح پایور در آنجا حاضر است و مثل همیشه بر همه چیز ناظر است. پایور با همان انضباط، با همان نزاکت، با همان پاکی، با همان دقت، با همان فرهنگ، با همان ایمان، با همان سختگیری و با همان سختکوشی نگران روزگار ما بود.

این خصلت پدرانه او بود. او دلشوره‌یی همیشگی داشت؛ دلشوره در باب بی‌سامانی هنر و هنرمند. پایور تنها بود، اما همواره نگاه غریبانه‌یی به افق‌های دور داشت. چین بر پیشانی‌اش گره می‌خورد، دست‌ها را به هم می‌سایید تا شاید دری بگشاید. اما آیا دری گشوده شده؟ نماینده نسل نو و خلاقیت بود. من امروز در غیاب مشکاتیان، با درک وفات پایور می‌گویم: «هنرمندمیری بس است!» و، بس است انزوا. باید به جهان صلح و همبستگی و معرفت و همدلی بازگردیم. باری تا دیر نشده، فقدان رفتگان را دریابیم و زندگان را گرامی بداریم.

خالص، صریح و مسوولانه

دکتر محمد سریر

موسیقی ملی ایران در ماه‌های اخیر سرمایه‌هایی را از کف داده است که یافتن جایگزینی برای آنها قطعاً در یک نسل و دو نسل میسر نخواهد بود. امروز نیز در سوگ موسیقیدان شاخص و قله برتر موسیقی چندین دهه استاد فرامرز پایور نشسته‌ایم. حضور و تلاش و دانش این هنرمند برجسته، تداوم خلاقیت‌ها و انتقال ابداعات هنری و پژوهش‌های ارزشمند استادان سده اخیر این سرزمین چون استادان عبدالله دوامی، ابوالحسن صبا و نسل قبل از آن عارف و شیدا را میسر ساخت. بدون تردید استعداد و پشتکار روانشاد پایور برای سامان بخشیدن به بخش مهمی از نغمه‌های مانده از آثار گذشتگان که به طور شفاهی به استادان متاخر منتقل شده بود و تنظیم و مکتوب کردن آنها به خط موسیقی، زمینه و امکان بهره‌گیری گسترده‌تر از آنها را فراهم ساخت. آنچه استاد پایور را از هنرمندان متاخر و بعضاً معاصر متمایز می‌کرد و یکی از ویژگی‌ها و شاید بخشی از رمز و راز موفقیت امروز در زمینه‌های مختلف موسیقی ملی شناخته می‌شود، نگاه علمی او به مقوله موسیقی ایرانی و نغمه‌های گونه‌گون نشسته در دستگاه‌های مختلف ردیف موسیقی ایران، همچنین آن اعتقاد و تلقی جدی او از موسیقی ملی و پایبندی به انضباط کاری بود. این فعالیت‌ها و خلاقیت‌ها در چند گستره انجام گرفته و بدون تردید آثار ارزنده آن در نسل حاضر و نسل‌های آتی نیز جاری خواهد بود. استاد پایور راوی بلافصل موسیقی ملی از نسل‌هایی که منابع قابل اعتماد موسیقی ملی ایران خوانده شده‌اند، بود و با اتکا به توانایی وسیعی که در زمینه‌های تئوریک موسیقی ملی و بین‌المللی کسب کرده بود ضمن مکتوب کردن بخش‌هایی از آنها، امکان آشنایی و آموزش و اجرای مجدد آنها را به صورت غیرحضوری نیز فراهم ساخت. این هنرمند به عنوان استاد برجسته سنتور کتاب‌های آموزش این هنر ملی را در مسیر علمی جدیدی قرار داد که پایه‌های درک بهتر و توانایی بیشتر را از موسیقی به طور عام و موسیقی ملی به طور خاص برای هنرجویان فراهم کرد و امروزه موفقیت و خلاقیت‌های بسیاری از نوازندگان معاصر این ساز مرهون آموزش از طریق این روش‌های سازنده بوده است. باید اذعان کرد استاد پایور آهنگساز برجسته‌یی در موسیقی ایران بوده و افق‌های جدیدی را در اجرای موسیقی ایرانی به صورت همنوازی به نحوی که جانمایه و لطف و تاثیرگذاری عمیق آن در این گونه تنظیم و اجرا همچنان برای مخاطب ایران محفوظ بماند گشوده و امروز یکی از روش‌های متداول میان هنرمندان برای تنظیم آثار خود است. لیکن مهم‌تر و سازنده‌تر از همه این موارد، شخصیت خالص، صریح و مسوولانه استاد پایور است. سلامت فکر و اندیشه و نگاه روشنفکرانه و خلاق او به موسیقی ایران در دوره‌هایی که چهره موسیقی و موسیقیدان ایرانی به علت سهل‌انگاری بعضی از هنرمندان در سایه نقد شخصیتی قرار می‌گرفت، ابعاد متنوع دانش، توانایی و رفتار و کردار شاخص ایشان، پشتوانه محکمی برای هنرمندان آن دوران امروز و الگویی شایسته برای هنرمند ایرانی است.

برای آموختن پیش پایور رفتم

لوریس چکناواریان

من ۴۵ سال پیش شانس این را داشتم که با فرامرز پایور آشنا شوم.

در خانه موسیقی مشغول جمع‌آوری موسیقی بومی بودم. روی سازهای ایرانی مطالعه می‌کردم تا اثری چندصدایی برای سازهای ایرانی بنویسم. برای یادگیری سازها به لحاظ تکنیکی و بهره‌مندی از امکانات و وسعت‌شان با گروه ارکستر فرامرز پایور آشنا شدم. آن وقت در آن گروه آقایان ظریف، ناهید، اسماعیلی و بدیعی کار می‌کردند. الحق گروه بی‌نظیری بودند.

من چند سال با فرامرز پایور روی سازهای ایرانی مطالعه کردم و بالاخره «باله سیمرغ» را نوشتم. در این قطعه هم از سنتور معمولی و هم از سنتور کروماتیک استفاده شده بود. هر دو سنتور را خود فرامرز پایور نواخت. نواختن سنتور کروماتیک خیلی سخت است و هر کسی توانایی اجرای آن را ندارد اما فرامرز پایور استادانه آن را اجرا کرد. بعد از «باله سیمرغ» هم دوستی ما برقرار بود و ما فیلم‌موزیک‌های زیادی با هم کار کردیم. فرامرز پایور سبک به خصوصی را در نواختن سنتور به وجود آورد و به شاگردانش درس داد. متاسفم که امروز در بین ما نیست.

فصل بدعهدی ایام

مرتضی کاخی

خبر درگذشت استاد مسلم موسیقی ایرانی شادروان فرامرز پایور را دوستی همین لحظه به من داد و خواست چندسطری در رثای این بزرگ رفته بنویسم و چند دقیقه‌یی بیشتر برای این کار فرصت نیست. ولی چه بنویسم؟ فصل بدعهدی ایام نمی‌دانم کی به انتها می‌رسد. سال‌هاست پیش خود چنین تصور می‌کنم که همسالان من یعنی فرزندان حوالی شهریور ۲۰ سعادتی بزرگ داشتند که همزمان حیات نوابغ و بزرگانی چون ملک‌الشعرای بهار، صادق هدایت، ابوالحسن صبا، نیما یوشیج، شاملو، اخوان ثالث، فروغ و ده‌ها چهره فرهنگی دیگر بودند و هستند که هر کدام از این بزرگان یکی از استادان مسلم فرهنگ و هنر ایران و ستاره قدر اول آسمان دانش و فرهنگ و هنر ایران‌زمین به شمار می‌روند. شادروان فرامز پایور یکی از یادگارهای عزیز این بزرگان تاریخ معاصر و خود یکی از این بزرگان بود. دردا که او هم رفت. سعادتی که ما همزمانان حوالی شهریور ۲۰ داریم این درد جانکاه را نیز در بطن خود به همراه دارد که باید هرازچندگاهی یک بار غم از دست رفتن این بزرگان بی‌جانشین تاریخ هنر ایران را به چشم ببینیم و به عزای آنها بنشینیم؛ تنها دلخوشی این است که مادر مهربان میهن– ایران عزیز و بزرگ– باز هم آبستن زایش چنین اعاظمی خواهد بود. این را تاریخ نشان داده است. تاریخ صبر دارد. ما هم باید صبر داشته باشیم.

دو کتاب احمد شاملو رونمایی می‌شود

دو کتاب «قصه دروازه بخت» و «بارون» نوشته احمد شاملو برای کودکان با تصویرسازی‌های ابراهیم حقیقی جمعه (۲۰ آذر) از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در شهر کتاب آرین واقع در بلوار میرداماد، مرکز خرید آرین رونمایی می‌شود. به گزارش ایبنا «مراسم رونمایی این دو کتاب با حضور آیدا سرکیسیان همسر احمد شاملو، ابراهیم حقیقی تصویرگر، محمودرضا بهمن‌پور مدیرمسوول انتشارات نظر و جمعی از مولفان، مترجمان و شاعران برگزار خواهد شد. «قصه دروازه بخت» توسط نشر نظر تجدید چاپ شده. این کتاب داستانی فولکلور برای کودکان دارد که در ۶۰ صفحه با تصویرگری ابراهیم حقیقی به نگارش درآمده و حدود یک ماه پیش منتشر شده است. «بارون» نیز مجموعه شعری برای کودکان است که با تصویرگری ابراهیم حقیقی توسط نشر نظر تجدید چاپ شده است. این مراسم رونمایی به مناسبت ۲۱ آذر سالروز تولد احمد شاملو و در شب تولد او برگزار می‌شود.

شنیدنی

از حافظ بپرسید

ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم ... که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد

آب‌وهوا

بارندگی کم‌سابقه در همه ایران : آسمان ایران این روزها شرایط کم‌نظیری را تجربه می‌کند. دیروز در اتفاقی نادر خورشید در کل آسمان ایران از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقطه زیر ابر پنهان ماند و از صبح تا شب در کل کشور از جلفا و سرخس گرفته تا اهواز و چابهار، از گیلان و مازندران گرفته تا کویری‌ترین مناطق مرکزی ایران و روستاهای خشکیده جنوب کرمان، برف و باران بارید.

ادامه از صفحه اول

ای هدهد «صبا» به سَبا می‌فرستمت

و به همین دلیل، این هنر شگفت‌انگیز، در اعصار، همواره در فراسوی قوانین حاکم و دستورات اجتماعی، به حیات آشکار و فراگیر خود ادامه داده و در نهایت، حتی اخلاق و سیاست را به تبعیت از خویش فراخوانده است.

گستره و عمق موسیقی اصیل، انسانی، ناب و معنوی، تا به آنجاست که حتی متعصب‌ترین صاحبان امور در ادوار گوناگون تاریخی را به سوی یافتن و دریافتن خویش طلبیده است. و اصولاً این امتیاز از خصایص جوهره هنر است. و موسیقی به عنوان طلایه‌دار هنرها، توانسته است در بحرانی‌ترین مقاطع ممکن، همچنان حضور خود را به انحای مختلف از حاشیه به سوی متن جامعه حرکت دهد و سرانجام به تصرف دلخواه اذهان روشن بپردازد، و اگر به تعریفی تازه‌تر، توازن تعادل و موزونیت حیات طبیعت و انسان را پاره‌یی از ماخذ نهایی موسیقی بدانیم، باید اقرار کنیم که موسیقی در درون خود ما و ذات کائنات است و گریزی از آن نیست، به این سبب باید اهل موسیقی را کاشفان جوهره زندگی نامید. در همین رابطه می‌توان گفت که نخستین اشارات صوتی و آواها که سرانجام به تجسد «نت» و سرانجام به «کلمه» رسیده و در زمان خود به مثابه علائم اختصاری ارتباط و بیان خواسته‌ها خلق شده بودند، سرشار از بار موسیقایی و هارمونی فطری بودند، چندان که می‌توان امروزه بنابر تحقیقات علمی، موسیقی را زبان حال اشیا دانست، از ضربان نبض سنگ کوارتز، تا نَفَس خاموش مرجان‌ها در اعماق دریاها، و رقص لاادری باد و برگ. موسیقی زبان حال حیاتِ است، گریز از این یقین، انکار ناخواسته آفرینش است، و این ادعا، نه سخن امروز، که اعتقاد فلاسفه و عرفا و حکمای ما بوده است، از حکیم بیرونی و خیام و رودکی تا دوره معاصر، تا ابوالحسن صبا و پرویز مشکاتیان و تا به امروز... که خبر ناگوار سفر ابدی یکی دیگر از شاخص‌ترین چهره‌های موسیقی ملی منتشر شده است. پایور بزرگ، ستون و پایه و پیمانه و معیار موسیقی ما بود. فرامرز پایور یکی از درخشان‌ترین شاگردان و یادگاران ابوالحسن صبا، طلایه‌دار موسیقی بوده است. فرامرز پایور معتقد بود موسیقی ملی ما، یادمان شفای زخم‌های تاریخی ملت ماست. و در اعصاری که ما از زخم یورش بیگانگان دستمان از هر امکانی کوتاه بود، موسیقی شبانه و شبانی، یگانه عامل تحمل و شفای اندوه ملی می‌شد، و ما بنا به همین احترام متقابل به قداست این میراث فرهنگی و هنری است که بزرگان و بانیان و نگهبانان موسیقی خود را گرامی می‌داریم، با آن همراه می‌شویم، پای صحبت‌شان می‌نشینیم و می‌کوشیم سخنان‌شان را از بطن جان و چهار دیواری مأوایشان به کوچه فرهنگی آوریم و به گوش مردمان برسانیم. استاد فرامرز پایور، الگویی زنده از پایبندی‌های ملی و خلاقیت‌های فرهنگی بوده است؛ استادی که حقیقت کار و ساز خویش را سخت محترم می‌داشت. من آن روزی این هنرمند از دست رفته را شناختم که دیدم چگونه میان سرافرازی هنر و تسلیم به قدرت، حرمت موسیقی را برگزید حکایت از این قرار است که: «سال‌ها پیش، شبی به مناسبت بزرگداشت نودمین سال تولد استاد علی نقی وزیری برنامه‌یی در تالار یکی از هتل‌های بزرگ تهران، در حضور درباریان آن روزگار، اسدالله علم، پهلبد، هویدا، جمعی از مخبرین و روزنامه‌نگاران و میهمانان خارجی و خود استاد وزیری، با گروه خود بر روی سن آمده و مهیا می‌شوند تا آثاری از وزیری را اجرا کنند، سر و صدا و بی‌نظمی بر سالن حکمفرما بود. پایور مدتی به جمعیت، به ویژه والامقامان(!) پُر حرف، به تلخی می‌نگرد، از پهلبد سوال می‌شود که چرا استاد شروع نمی‌کند، و در همین زمان استاد به اعتراض این بی‌حرمتی، برخاست و صحنه را ترک کرد. پچ‌پچ میهمانان فراگیرتر شد، در همین حین جوانی از حاشیه تالار با صدایی رسا گفت: «مرحبا پایور!» آن شب همه دریافتند که چرا پایور مجلس را رها کرد، آن شب، روز سرافرازی هنر و شب شرمندگی متکبران ضدهنر بود، آنجا بود که دریافتم پایور، یادگار همه اهل رسالت گذشته ماست، پایور با این حرکت معترضانه خود به بی‌اعتنایی و بی‌فرهنگی مسوولان و به اصطلاح مقامات، ثابت کرد که این موسیقی است که سیاست و قدرت را به تبع خویش، به کرنش وامی‌دارد. فرامرز پایور تا آخرین لحظه حیات، با همان روحیه نقادانه خود به زندگی و هنر ادامه داد، حقیقتاً روح بزرگش شاد. او معتقد بود که باید در برابر پلشتی‌ها با سلاح هنر رو به رو شد و حتی به پلشتی و نادانستگی‌های رایج در حوزه موسیقی امروز ما اشاره شود و پایور یک روز به من گفت: «اخیراً بسیاری با ارائه و عاریت مقام مستعمل «استادی» راه کج رفته و مشق معوج به جوانترها می‌آموزند، و در نهایت موجب اضمحلال، انزوا و بی‌حرمتی به موسیقی ملی ما می‌شوند.»

استاد فرامرز پایور یکی از خوشنام‌ترین کارشناسان، نوازندگان و آهنگسازان جامعه موسیقی ایرانی بود که برای نخستین بار طی چهار دهه اخیر به ساز سنتور و هویت حرفه‌یی سنتور نواز چنان شخصیت و رتبتی داد که امروزه در ایران عموماً سنتورنوازان به رهبری ارکسترها و گروه‌های موسیقی رسیده‌اند. (از آن جمله می‌توان به شادروان استاد پرویز مشکاتیان اشاره کرد.) پایور در هشتمین دهه زندگی پربار و خلاق و منظم خود، همواره با علاقه و انتظامی خاص، روزی سه الی چهار ساعت تمام کار می‌کرد و باز به «تمرین» می‌پرداخت. عادتی عاشقانه که از سال ۱۳۲۸ خورشیدی (هفده‌سالگی) نزد استاد ابوالحسن صبا شروع کرد و تا پیش از مرگ ادامه داد. پایور نقل می‌کند که حتی نگاه استاد صبا به آلات موسیقی هم سرشار از قداست و تکریم بود. آن سال‌ها رابطه شاگرد و استاد، از معنویت عظیمی برخوردار بود، و نه چون امروز: «من نگرانم، در بعضی موارد افراد از این عناوین و نام‌ها سوءاستفاده می‌کنند و بدون مطالعه به تدریس مشغول می‌شوند، و نتیجه چیزی نیست جز بدآموزی...» و این نکته ظریفی است که هر هنرمند پوینده و مسوول دلسوز و دانایی را به اندیشه وامی‌دارد. جای نگرانی است، این معضل در پهنه بسیاری از دیگر هنرها و آموزه‌های رایج در جامعه ما رواج یافته است؛ رنجی که همواره گریبان مشکاتیان را هم گرفت و شکوائیه داشت از این روزگار بی‌قاعده.

پایور از من پرسید: آیا مجموعه همین آشفتگی‌ها موجب رکود موسیقی ملی ما نشده است؟ سیر تکوین و رشد موسیقی با توجه به تحولات آن در دیگر ممالک، در ایران ما چندان چشمگیر نبوده است، و هنوز هم بنا به همان محدودیت‌ها و عدم خلاقیت، نوآوری و آفرینش‌های متهورانه، موسیقی ما در چرخه حزن، نوستالژی و اندوه تاریخی خود دور می‌زند. هنوز هم عده‌یی بر این باورند که موسیقی ما باید هماهنگ با رشد فرهنگ و هنر و موسیقی دیگر ملل متحول شود، و با نیازهای امروزین و بنا به اقتضای زمان، همراه خواسته‌های نسل‌ها به ویژه نسل جوان هماهنگ شود، ما وقتی قدر و منزلت استادهایی بی‌جانشین چون فرامرز پایور بزرگ را درمی‌یابیم که ببینیم در برابر این معضلات چه موضعی داشتند. روانشاد پایور در همین مورد گفته است: «اگر موسیقی، تنها موسیقی غربی است، موسیقی ما هیچ ربطی به آنها ندارد، و ما هرچه خودمان را به آنها نزدیک‌تر کنیم، در واقع خودمان را ویران کرده‌ایم.» و متعاقباً اضافه می‌کند: «موسیقیدانان ایرانی باید سعی کنند تا اساس موسیقی ما را جهانی کنند، نه اینکه آن را به جهان پیوند بزنند. سخن پایور این است که حفظ ارزش‌ها و اصالت‌ها همواره لازم است، اما نه به بهای تکرار، اشباع‌شدگی و سرانجام انزوا.» استاد پایور همیشه می‌گفت: «نیاز به دگرگونی در موسیقی ملی ما، نیازی ضروری است.» و استاد پایور در مقام یکی از ستون‌های عمارت موسیقی ایرانی، ما را متوجه این نکته می‌کند که هشدار راهبران جامعه هنر خود را بشنویم و گرامی داریم. پایور حق داشت ابراز نگرانی کند، چرا که برای غنا بخشیدن به موسیقی ما، سختی‌های بسیاری را تحمل کرد و سنگ‌های بسیاری را همراه با دیگر یاران بر دوش کشید. او پرورده مکاتب بزرگانی چون صبا، نورعلی برومند و عبدالله دوامی بوده است.

آهنگساز، نوازنده و استاد ممتاز و مسلم موسیقی ایران، چنان اعتقادی به کار خود داشت که همیشه تاکید می‌کرد: «موسیقی ما می‌تواند بدون یاری جستن از کلام و ترانه و تصنیف و صدای آوازخوان، شکوفایی و جذابیت فراگیر خود را حفظ کند و گسترش دهد.» در عین احترام عمیق به شعر و ادبیات، بر این باور هم بود که موسیقی به تنهایی و مستقل از شعر می‌تواند ادامه یابد. هیچ دلیلی ندارد که آن را به بند کلام بکشیم. و ما امروز، در غیاب ابدی او، همین دیدگاه را هم می‌توانیم از خلال ارزش آثار مکتوب ایشان ببینیم: «دستور مقدماتی سنتور / دوره عالی ردیف چپ کوک / هشت آهنگ برای سنتور / دونوازی برای سنتور و تار، سنتور و کمانچه و سنتور و فلوت / و قطعات موسیقی مجلسی...»

من خبر دارم که استاد پایور، این یادگار صبا، که از بازماندگان گذشته موسیقی سنتی بود، هم آثار مستند و ارزشمندی را از درویش خان، دوامی، و رکن‌الدین مختاری در دست کار داشت و مصمم بود که تمام این آثار را همراه با تصانیف قدیمی چاپ و منتشر کند.

در مورد نظم و پیگیری این موسیقیدان بزرگ، همان‌قدر بگوییم که در سفری به غرب که نگارنده نیز همراه او بوده و از نزدیک شاهدش بودم، بر اساس همان نظم ذاتی و عادت کاری، پیش از شروع هر برنامه، گروه خود را، از پیر و جوان، از استاد بهاری ۹۰ ساله تا محمد موسوی ۴۵ ساله را وامی‌داشت که حتماً ساعتی تمام به «تمرین» بپردازند، شیوه‌یی که در گروه‌های جوان‌تر موسیقی ما کمتر دیده می‌شود. تمرین برای پایور نوعی تداعی عشق به کار و احترام متقابل به هنر موسیقی بود. پایور می‌گفت موسیقی تنها هنر منظم بشری است، پس باید «نظم» را از موسیقی آموخت، ما نیز امروز، بعد از وفات پرداغش با کلام ساده‌اش همراه می‌شویم و از او که خود آموخته، موسیقی ناب ملی بود. می‌آموزیم که انسان هنردوست و هنرپرور ایرانی هرگز نام این بزرگان را فراموش نخواهد کرد. پایور و مشکاتیان از میان ما رخت بربسته و از جهان امروز درگذشتند. اما بر همه ما دوستداران هنر واجب است که یاد این سلسله را گرامی بداریم. یادش برای ابد گرامی باد!